

# نگاهی به مطبوعات فارسی زبان مصر

م - طاری

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های چاپ و انتشار مطبوعات فارسی زبان در خارج از کشور، حوزه مطبوعات مصر است. اهمیت جراید منتشره در این حوزه از دو منظر کمی و کیفی قابل بررسی است. طی یک دوره زمانی از حدود اواخر قرن نوزدهم تا نیمه اول قرن بیستم تعداد قابل توجهی جریده و مجله فارسی زبان در مصر منتشر شدند. علل به وجود آمدن چنین پدیده‌ای را نخست در موقعیت ممتاز مصر از نظر دوری از حوزه‌های حکومتی عثمانی، ایران و دیگر سلاطین مسلمان می‌باید جست‌وجو کرد. مصر در طول دوره زمانی مورد بحث و به ویژه اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، محل جذب بسیاری از اندیشمندان، فرهنگ دوستان و مبلغین اندیشه‌های گوناگون بود. نزدیکی به اروپا به عنوان قلب تپنده رویدادهای سیاسی در سطح جهان، وجود تعداد قابل توجهی از ایرانیان در مصر، نزدیکی آن سرزمین به ایران و بین‌النهرین، گذر راه‌های اصلی تجارتی شرق به غرب و بالعکس از مصر و اطراف، از دیگر عوامل پیدایش و گسترش مطبوعات فارسی زبان در مصر



محسوب می‌شوند. عوامل مذکور دست به دست هم داده تا نخستین نشریه فارسی زیان در مصر، (حکمت) در سال ۱۳۱۰ قمری متولد شود. پس از آن و به فاصله شش سال، از سال ۱۳۱۶ قمری هفته‌نامه «ثریا»، دو سال بعد در سال ۱۳۱۸ قمری هفته‌نامه «پرورش»، در سال ۱۳۲۳ قمری، هفته‌نامه «چهره‌نما» هفته‌نامه «کمال» در آن سرزمین چاپ و منتشر شد. در سال ۱۳۲۳ قمری سه عنوان نشریه فارسی در مصر به طور هم‌زمان انتشار می‌یافت ولی این وضعیت چندان دوام نیافت و در فاصله سال‌های ۱۳۲۴ ق تا ۱۳۲۹ ق آن تعداد به دو عنوان: «چهره‌نما» و «حکمت» و از سال ۱۳۳۰ تنها به یک عنوان کاهش یافت.

اندکی افزون بر یک دهه بعد هفته‌نامه رستاخیز به مدیریت عبدالله رازی در قاهره منتشر شد. رازی پس از آن دو عنوان دیگر نشریه (عصر پهلوی و سودمند) را نیز در آن‌جا منتشر ساخت تا از نظر کمی بیشترین تعداد نشریه منتشر شده در مصر از آن او باشد. پس از سه‌گانه‌های عبدالله رازی تا چندین دهه پس از آن باز هم «چهره‌نما» تنها عنوان جریده فارسی زبانی بود که در مصر چاپ و منتشر می‌شد.

پس از آشنایی کلی با عناوین جراید، در ادامه نگاهی کوتاه به هر یک از آن‌ها خواهیم داشت.

### هفته‌نامه حکمت

هفته‌نامه «حکمت» به مدیریت دکتر میرزا محمد مهدی خان تبریزی ملقب به زعیم الدوله، (۱۲۵۳ قمری - ۱۳۳۳ قمری) رئیس الحکما و رئیس الحکومه، در قاهره انتشار یافت.<sup>۱</sup> نخستین شماره آن در ۲۸ صفر ۱۳۱۰ قمری (۱۹ سپتامبر ۱۸۹۲ برابر ۲۹ شهریور ۱۲۷۱ شمسی) در آن شهر منتشر شد. در انتشار این هفته‌نامه میرزا محمد مهدی تبریزی از کمک‌های کنسول ایران در مصر نیز بهره‌مند بود.<sup>۲</sup> چنین رابطه‌ای تا هنگام وقوع انقلاب مشروطه بین دولت و کارگزاران دولتی با مدیر هفته‌نامه حکمت برقرار بوده است و پس از آن احتمالاً به دلیل بروز بحران‌های شدید در ایران، این رابطه مختل شد. میرزا محمد



مهدی خان که با جریده نگاری در استانبول و در مکتب روزنامه اختر، آشنا شده بود،<sup>۳</sup> به عنوان شاگردی مؤمن آن مکتب جریده نویسی، تا پایان عمر به رعایت برخی اصول و چارچوب‌های اخلاقی و فرهنگی پایدار ماند و بدین لحاظ توانست یکی از مهم‌ترین و متین‌ترین جراید فارسی زبان در خارج از کشور را در مدت حدود بیست سال اداره کند. در لوگو و عنوان هفته‌نامه حکمت از چاپ آن به طور هفتگی خبر داده می‌شود ولی انجام چنین و عده‌ای به سختی امکان‌پذیر بود و معمولاً فواصل چاپ هر شماره از آن با شماره بعدی بیش از هفت روز بود.

ارتباط مدیر هفته‌نامه حکمت با دولت ایران و شاه (مظفرالدین شاه)، ارتباطی نسبتاً حسنه بود. براساس آنچه که در منابع تاریخ مطبوعات آمده است، دکتر میرزا محمد مهدی خان تبریزی زعیم الدوله در رجب سال ۱۳۱۹ قمری از مظفرالدین شاه لقب و مواجب سالیانه دریافت کرد.<sup>۴</sup> ولی این تنها مورد از خلعت‌گیری مدیر حکمت از مظفرالدین شاه نبود. زعیم الدوله خود می‌گوید که «در ۲۶ ماه ذیحجه سال ۱۳۱۳ قمری هنگامی که مظفرالدین شاه به تخت سلطنت جلوس کرد، در همان روز بنده نگارنده از مصر با تلگراف تاریخ جلوس را (جلس مظفر) معروض پیشگاه سلطنت عظمی نموده و به مواهب و عطیه سلطانی که از آن جمله (انگشتر الماس و برلیان) گرانها بود، سرافراز آمدم».<sup>۵</sup>

در اواخر جمادی الاول سال ۱۳۱۸ قمری، به هنگام سفر مظفرالدین شاه به فرنگ و در هنگام حضور او در اسلامبول، دکتر میرزا محمد مهدی خان به حضور شاه رسیده و از او نشان شیر و خورشید دریافت کرد. بنا به گزارشی در این خصوص که در هفته‌نامه پرورش چاپ شد: «در این هفته جناب میرزا فرج الله مستنصر السلطنه جنرال کنسول و جناب ادیب اربیب دکتر میرزا مهدی خان رئیس الحکما مدیر و محرر روزنامه حکمت که برای شرفیابی حضور اعلیحضرت همایونی به اسلامبول رفته بودند، به سلامت وارد مصر شدند. نظر به آنچه به ما رسیده اعلیحضرت همایونی بر سیف محترم ما دکتر مهدی بک صاحب [جریده] حکمت نشان شیر و خورشید از درجه اول و حمایل مخصوص آن و لقب خانی و رئیس الحکمائی و انگشتر الماسی و پانصد تومان انعام نقد و پانصد تومان مستمری که همه ساله به ایشان و اعقاب ایشان اعطا شود مرحمت شد و از طرف دولت



عثمانی به میرزا مهدی خان دکتر، نشان عثمانی از درجه دوم اعطا شده است»<sup>۶</sup>. همان گونه که قبلا گفته شد در انتشار جریده حکمت چند بار اختلال به وجود آمد. علت این موضوع عمدتا به بیماری و عدم توانایی مدیر آن ارتباط می‌یافت. در شعبان ۱۳۱۶ قمری اعلامیه زیر در هفته‌نامه ثریا چاپ شد:

«میرزا مهدی بیک دکتر تبریزی مدیر روزنامه حکمت که بدون زایده چینی یکی از جمله اشخاصی است که نظیر آن در کمال و علم و دانش در این عصر کمتر آمده، قریب یک ماه ناخوش و بستری بودند این حادثه باعث تاسف و ملال خاطرها گردیده بود. به حمدالله چند روزی است احوالشان خیلی بهتر شده و امیدواریم تا هفته دیگر رفع کسالت مزاجشان بکلی بشود»<sup>۷</sup>.

به همین ترتیب در اواخر همان سال (۱۳۱۶ قمری) نیز بار دیگر یک وقفه چند ماهه در انتشار جریده حکمت به وجود آمد ولی جدی‌ترین این گونه وقفه‌ها، در فاصله سال‌های ۱۳۱۸ قمری تا ۱۳۲۰ قمری روی داد. همان گونه که قبلا گفته شد در جمادی الاول ۱۳۱۸ قمری میرزا محمد مهدی خان در اسلامبول به حضور مظفرالدین شاه رسیده و پس از دریافت خلعت، انعام و مستمری به مصر بازگشت. به نظر می‌رسد میرزا محمد مهدی خان در هنگامی که در اسلامبول بود بنا به توصیه ای، قصد سفر به ایران را داشت، لیکن نخست به مصر رفته و به گفته خودش: «پس از ورود به مصر حسب الایجاب پس از چهل سال دوری از وطن مقدس رو به سوی ایران کردم»<sup>۸</sup>. او پس از ورود به تهران هیجده ماه در آنجا اقامت گزید. در خاطراتش از آن دوره چنین می‌نویسد:

«هیجده ماه در تهران توقف کردم

پس به هر جمعیتی نالان شدم جفت خوشحالان و بد حالان شدم

به هر دری سر بردم و از هر سری سری برگرفتم. آنچه که بایستی خوب بدانم، خوب دانستم و آن که را که شایستی، نیک شناسم، نیکو شناختم. از اوضاع و احوال ملت از هر قبیل چیزی از من پنهان نماند. از احوال لشکری و کشوری دولت اطلاع کافی به هم رسانیدم. وضع معاملات و معاهدات دول را با حکومت سنیه آگاه شدم. مختصرا کم مجهول ماند که بر من معلوم نشد. بارها دیده از دیدار دلارای فرخنده اعلیحضرت اقدس



همایونی روشن کردم و در همه روزهای سلام خاص و عام در معیت جناب مستطاب اجل میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه با هیئت محترمه وزارت خارجه شرف اندوزی از حضور معالی موفور همایونی حاصل می‌کردم. در این دو سفر خیریت اثر، التفات بالای التفات، مرحمت بالای مرحمت، نشان بالای نشان، لقب بالای لقب، منصب بالای منصب، احسان بالای احسان، انعام بالای انعام گرفتم و پیوسته از مکارم و مراحم این پادشاه رحیم حلیم مهربان متمثل بوده و خواهم بود.

تا در ۲۸ ذی‌الحجه [۱۳۱۹ قمری] موکب همایون اعلیحضرت اقدس شهریاری به عزت و اقبال رهسپار فرنگستان شد. این بنده هم حسب الایجاب تا ۱۲ محرم (۱۳۲۰ قمری) در تهران مانده و در آن روز سبکبارانه بیرون آمده و در چهل و هشت ساعت (۳۲۵ ورست) راه را در نور دیده و در رشت به اردوی همایونی رسیده و با ملترزمین رکاب وارد بادکوبه شدم. پس از مرخصی، از راه تفلیس و باطوم و استانبول و از میر در دهم ربیع الاول [۱۳۲۰ قمری] وارد اسکندریه شدم».<sup>۹</sup>

در رمضان سال ۱۳۲۴ قمری به علت ابتلا دکتر میرزا محمد مهدی خان به مرض آنفلوانزا، بار دیگر وقفه‌ای در انتشار جریده حکمت به وجود آمد.

در رجب سال ۱۳۲۵ قمری به مناسبت پایان پانزدهمین سال انتشار هفته‌نامه حکمت، مدیر آن در سرمقاله شماره ۸۹۲ نوشت: «سپاس ایزد که این جریده سال پانزدهمینش را در این شماره به پایان رسانید. تا توانست در این مدت از خدمات دین و دولت، ملت و وطن خویش باز نایستاد. مدیر و منشی این نامه در شهری مثل قاهره مصر که مرتب و کارگر و حروف چین و طالع آن همه عرب بوده، باد شواری تمام که هر شماره آن چهار یا پنج بار تصحیح شده و منطبع می‌شد، با تن تنها و بدون یار و یاور از انشا و تالیف و ترجمه اخبار فرهنگی و عربی و ترکی و مراقبت طبع آن باز نمانده تا به شیوه شیوا و طرزی دلکش از طبع و نشر آن کوتاهی نورزیده و از خارج سینه سپر و آماج تیرهای زهرآلود جراید و مقالات مغرضه و مبعضه دشمنان دین و دولت کرده و تیرهاشان را به گلویشان برگردانید و از کار شکنی‌های نادانان ملت نه‌راسیده، با دل قوی و عزم ثابت در ردّ و منع و ردع آنان از بذل نفس و نفیس دریغ نیاورد و در داخله ایران چندگاه درازی در میان سه حزب سیاسی قوی گرفتار شد و (هر کسی از ظن خود شد یار من) از یک



سو خود را از کمند کید کین توزان و رشک ورزان باز رهانید و از دیگر سو دو حزب خانمان کن و خاندان برانداز اگر چه بر مال و اندوخته عمر درازش تاختند و لکن جانش را به یاری خدای غالب و قاهر از شر و زیانشان ایمن نمود. لنگ لنگان و سرجنبان این راه دراز را بسپرده تا در انجام کار به کام کرد مشاهده دلارام خود را که از چهل سال تاکنون به جز از راه کویش نمی پوئید، به چنگ آورده و بر خدای بی نیاز نماز برد. اعنی نمرود تا حکومت ایران را شوروی و دستوری یافت که این موهبت الهی مرهم زخمی‌ها و ریش‌های دیرینش آمد. خارهای مگیلانش حریر و نیش‌های چندین ساله دشمنانش درمان پذیر آمد.<sup>۱۰</sup>

به هر روی مجله علمی، سیاسی، ادبی<sup>۱۱</sup> حکمت تا چند سال پس از آن به کار خود ادامه داد. در مورد نکات مختلف فنی و شیوه‌های چاپ و انتشار آن، توضیحات نسبتاً مناسبی در منابع مختلف تاریخ مطبوعات وجود دارد که تصویری موجز از حیات بیست ساله هفته‌نامه مذکور را ترسیم می‌نمایند.<sup>۱۲</sup>

### هفته‌نامه ثریا

نخستین شماره هفته‌نامه ثریا در روز ۱۴ جمادی الاخر ۱۳۱۶ قمری برابر با ۲۹ اکتبر ۱۸۹۸ میلادی، برابر با هفتم آبان ۱۲۷۷ شمسی در قاهره منتشر شد. علی‌رغم حضور سید فرج الله الحسینی تاجر کاشانی در روند انتشار نشریه مذکور، «ثریا» با علی محمد خان کاشانی معنا یافته و بعدها نیز که بر اثر اختلافاتی بین او و سید فرج الله، علی محمد خان از مشارکت در چاپ و انتشار «ثریا» خودداری کرد، آن هفته‌نامه نه تنها هیچ گاه به پایه شماره‌های قبلی نرسید، بلکه به تدریج و با کاهش کیفیت مطالب آن، به تعطیلی کشیده شد.

علی محمد خان کاشانی احتمالاً در حدود سال‌های ۱۲۸۰ قمری - ۱۲۸۵ قمری متولد شده و پس از تحصیلات مقدماتی، برای تکمیل معلومات خود به استانبول رفت. در آن‌جا او در حلقه دوستانی وارد شد که در انتشار «ثریا» (و نیز همان‌گونه که بعداً خواهیم گفت در هنگام شروع انتشار هفته‌نامه پرورش) نقش مهمی در تشویق علی محمد خان برای شروع کار جریده نگاری داشتند. وی در این مورد چنین می‌نویسد:



## سبب نگارش این روزنامه

این بنده علی محمد کاشانی هنگام توقف و تحصیل در علیه اسلامبول گاه‌گاه که با دوستان وطن پرست ملت دوست ملاقات کرده شکایت از دولتخواهی و ملت پرستی به میان می‌آمد جمعی که مدتی در بلدان خارجه مانده و معنی (حب الوطن من الایمان) را دانسته و لذت ثمره تمدن و تربیت را چشیده، می‌گفتند امروز شرع انور اظهر و مصباح جمهور ملک و کشور بر هر فردی از افراد ملت واجب و فریضه است که خدمت وطن را اهم عبادات و الزم طاعات داند که دارین، اجری عمیم و ثوابی عظیم دارد و از دست هرکس هر چه برآید در خدمت کوتاهی نکند

از دستت نمی‌رسد که چینی گلی بر شاخ باری به پای گلبن ایشان گیاه باش و هم به مضمون آیه کریمه (و ذکر فان الذکر تنفع المومنین). امروز برای تنبیه و آگاه نمودن ابنای وطن که غالب روش اجانب ندانند و از سیاست مغربیان که ظاهری چون چهره خوبان آراسته و باطنی چون دل دوزخیان کاسته دارند بی‌خبر و از مکر و کیدشان غافل اند هیچ بهتر از نصیحت و ذکر نیست که عموم اهل وطن را از آن فواید مخصوصه حاصل آید و جولانگاه این میدان، جراید است چه که روزنامه آیین‌های است که حسن و قبح افعال را توان در صفحه آن بنمود و پرده‌ای است که صورت زشت و زیبا را در متن آن دیده‌ایم. فرنگان چون خواهند معیار تمدن و ترقی کشوری را بفهمند و میزان دانش و بینش مملکتی را به دست آرند اول به عمد در روزنامجات و شماره کتبخانه آن می‌نگرند پس از سنجش از روی بصیرت گویند که فلان کشور را از فلان کشور دانش بیش و تمدن بیش است و از این رو مشخص شده که امریکاییان در تمدن و ترقی بر اروپاییان سبقت گرفته‌اند چه شهر (نیویورک) به جمعیت از لندن کمتر ولی به شماره روزنامجات و کتبخانه و رسایل موقوفه از صد و بلکه چند برابر است به علاوه زبان ملک و ملت و محکمه دادخواهی، هر یک صفحات روزنامه و ستون‌های جرایدات است و اگر به حقیقت بنگریم علت غایی ترقی اروپا ازدیاد نشر روزنامجات و طبع مطبوعات شد. دانایان هر مملکت معایب قبایح اعمال ملت خود را بی‌مهابا نمودند و ابنای ملت گوش فرا داشته نصایح آن‌را شنودند و در اصلاح کار خویش برآمدند و امورات سیاسی و روحانی خود را به خوبی فیصل دادند و در میانه ملل و اقوام دیگر سر باشد و مفتخر



گشتند چنان‌که ملت (اتازونی) به همین وضع ترقی کرده از قید اسارت انگلیسی‌ها آزاد شد.

در این صورت امروز برای ما ایرانیان که طالب خدمت وطن هستیم به شرط قدرت قلم و قوت قدم، خدمتی بهتر از نشر روزنامه و همت و اقدام در این امر نیست و همواره مشوق این بنده بی بضاعت بودند که در این کار قدمی بیش گذارد و با قلم شکسته و تعلق بسته به انتشار روزنامه پردازد چون ایام تحصیل منقضی نشده بود دریغ می‌آدمم که تکلیف دوستان را قبول کرده به تکلف کاری کند که از عهده انجام آن برنیاید و جواب به مداهنه و طفره می‌رفت.

ولی از آن‌جا که گفتار ایشان را مقرون به صواب و خالی از غرض و مرض شخصی می‌دانست و فواید این کار را عموم، نیت کرد که پس از تحصیل یکی دو زبان خارجه و اطلاع بر مسایل پولوتیک و سیاسی دول به این امر خیر مباشرت نماید و خواهش دوستان را به اجابت مقرون دارد.

باری زمان به دراز کشید و روزگاری گذشت تا آن ایام که قصد ماندن اسلامبول را داشت به نهایت رسید و وقت آن آمد که به عهد و شرط خویش وفا کند و از عهده این دین برآید چون خطه مصر امروز از هر جهت برای انتشار اخبار صحیحه احسن ممالک خارجه است و مطبوعات در طبع و رواج هرگونه اخبار همه آزاد و فارغ البال است به علاوه مرکزی است که از دو طرف به ایران اقرب از جاهای دیگر است برای نشر روزنامه انتخاب شد و حروف ویژه اسلامبولی که نیکوترین حروفات جدید است تدارک کرده به حضرت یاری نشر این روزنامه، که خداوندش از گزند اعما حفظ فرماید این بنده بی بضاعت را توفیق بخشید و امیدوارم مشترکین چشم از نواقص آن پوشیده و به ملت پرستی خودشان در او ننگند و اگر در عبارات آن لغزشی یابند، غمز عین فرمایند.<sup>۱۳</sup>

از شماره اول هفته‌نامه ثریا در ذیل عنوان اصلی «ثریا» جمله: «وجه پست همه جا به عهده اداره است» درج شده است و در دو ستون افقی پایین‌تر از آن اهداف و روش انتشار نشریه معرفی شده اند. بر این اساس "این روزنامه [ثریا] هفته‌ای یک بار در روز شنبه طبع و در روز یکشنبه تقسیم می‌شود و از هر گونه وقایع پولتیکی و سیاسی و علوم و قانون و صنایع و ادبیات و تجارت و غیره سخن می‌گوید. مقالاتی که نافع حال





دولت و ملت باشند به کمال ممنونیت قبول و طبع و نشر می‌شود. مراسلاتی که به اداره می‌رسد در صورت انتشار و عدم آن صاحبش حق استرداد ندارد. پاکت‌های بدون تمبر قبول نمی‌شود».<sup>۱۴</sup>

مخاطبین ثریا ایرانیان در داخل و خارج از کشور و نیز ایرانیان ساکن در مصر بودند.<sup>۱۵</sup> وجود برخی نوآوری‌ها در چاپ نشریه از جمله تکرار لوگو صفحه اول در صفحه سوم،<sup>۱۶</sup> چاپ فهرست مطالب در صفحه سوم،<sup>۱۷</sup> نوع کاغذ مرغوب،<sup>۱۸</sup> سبب تمایز آن هفته‌نامه با دیگر مطبوعات ایرانی می‌شود. نحوه جذب و کیل‌های توزیع نشریه در شهرهای مختلف ایران و خارج از ایران نیز یکی دیگر از نقاط قوت نشریه مورد بحث است.<sup>۱۹</sup> هفته‌نامه ثریا در مطبعه عثمانیه واقع در قاهره چاپ می‌شد؛ مطبعه‌ای که علاوه بر آن، نشریات و کتب به زبان‌های کردی، عربی و فرانسوی نیز در آن چاپ می‌شد.<sup>۲۰</sup> به دلیل عدم تسلط کارگران حروفچینی، گاهی چاپ حروف توامان با برخی غلط می‌شد که متعاقب آن اعلان عذرخواهی مدیر نشریه به چاپ می‌رسید.<sup>۲۱</sup> انتشار ثریا پس از پایان سال اول، در سال دوم نیز ادامه یافت. علی محمد خان کاشانی، در نوشته‌ای به مناسبت آغاز سال دوم، وضعیت نشریه را چنین بیان کرد:

### اخطار

"از آن‌جا که ما را از روز نخستین از نشر و اشاعت این نامه ناچیز ملی غرضی جز خدمت به‌ابنای عزیز وطن و رضایی جز حفظ حقوق مکرمه دولت و پاس شئونات مقدسه ملت نبود باریتعالی ما را در همه حال یابوری و معاونت فرمود و زحمات‌مان در شبان‌دراز و روزان بلند به هدر نرفت یعنی آن‌چه از نصایح مشفقانه و مواعظ حسنه که بر طریق حکایه و مقاله رانندیم عموم ابنای ملت را در نظر خوش آمد و تخمی در شوره زار نریختیم و رنجی بیهوده نبردیم که پشیمانی آرد و امیدواریم به‌واسطه استعداد طبیعی زمین این تخم کاشته بروید و جهانی از خرمی و سبزی خویش بهره‌مند دارد و عاقبت درختی کشن گردد و چون بگذریم یادگاری از ما بر صفحه تاریخ ایران ماند و اگر امروز خدمات ما منظور دولت و ملت نشود فردا آیندگان قدر آن بدانند و نتایج فواید آن آنان را شامل باشد و در عالم انسانیت ما را فایده فوق آن تصور نشود و همین‌قدر اگر به همت ابنای وطن و هم‌راهی آن‌ها در اشتراک این نامه ناچیز ملی مخارج مطبعه و سایر مصارف



متعلقه به آن بیرون آید نهایت شاکریم و همه را به دعای بصر مقتصر شود و وجود صحیح ما علیل گردد و در عین جوانی ضعف و ناجوانی پیری حاصل آید چنانکه آثار آن اکنون در ماهویدا شده نهایت افتخار داریم و این همه علل را زیب و زبور خویش شماریم زیرا چشم برای اجرای وظایف خویش اگر کور شود محزون نباشد و همچنین سایر اعضای رئیسه اگر در اجرای وظایف از کار افتند رنجور و دلگیر نشوند اکنون اول سال دوم ثریا است هر چند بوجه حساب و تاریخ عربی بایدنمره پنجاه و یک را نخستین نسخه دومین سال ثریا قرار دهیم ولی چون ما را در نیت بود که چند صفحه بر اوراق ثریا بیفزاییم تا مطالب لازمه ما هر هفته دیگر محتاج نشویم و یوم مولود مسعود اعلیحضرت پدر مهربان و همایون والا مظفرالدین شاه که یزدانش همواره پشت و پناه باد، در پیش بود لهذا از یک نسخه ثریا صرف نظر کردیم و مجانا تقدیم حضرات مشترکین داشتیم تا نسخه اول سال دوم ثریا که بیست صفحه تمام است محض شگون و میمنت با تاریخ ولادت با سعادت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی موافق و مطابق آید.

و امیدواریم این ناچیزانه خدمت که اقلا در سال صد لیره تفاوت عمل دارد مقبول حضرات مشترکین و انبای وطن خواهد افتاد و ما را از دعای خیر فراموش نفرمایند.<sup>۲۲</sup> اهمیت و ارزش مقالات و گزارش‌های چاپ شده در هفته‌نامه ثریا مورد تایید بسیاری از فرزندگان در زمان خود و بسیاری از مورخین تاریخ مطبوعات قرار گرفته است. طی افزون بر دو سال، حجم انبوهی از اخبار، گزارشات و مقالات قوی و مستدل در هفته‌نامه مذکور چاپ شد و از این طریق تاثیر زیادی بر تحصیل کردگان و جامعه فرهنگی آن زمان ایران باقی گذارد.<sup>۲۳</sup>

از اواسط سال دوم «ثریا» به بعد میان سید فرج الله حسینی با علی محمد خان اختلاف شدیدی بروز کرد.<sup>۲۴</sup> این اختلاف در نهایت منجر به جدایی آن دو از یکدیگر و خروج علی محمد خان کاشانی از هفته‌نامه «ثریا» شد. در این رابطه دو شریک سابق در مقام شرح ما وقع، چنین نوشتند:

### شرح احوال (ثریا) به طریق اجمال

از آنجایی که نوع بشر را هر وقتی هوایی در سر و خیالی در خاطر و افکاری در نظر است و کلیه انسان در هر محل و مکان و در هر رتبه و مقام که بوده و هست طالب



ترقیات و مایل به علو درجات است.

چه که بالفطره حقیقت انسانی را در این عالم جسمانی در هر آنی طیرانی است و مقصودش آن است که خود را به رتبه فوق آنچه در اوست و از مقام اسفل به اعلی کشاند.

لهذا قوت افکار زیاد شود و دقت اخطار شدت یابد و سمند خیال در میدان آن بتازد و در هر ساعتی حالتی رخ نماید و سلطان عقل بر عرش وجود مقرر گزیند و مجنود فکر مدن و دیار تمدن و علوم و فنون و صنایع را مسخر سازد و در هر مدینه و دیاری با یاری دست در آغوش با نگاری همدوش گردد یکی در آسمان علوم سیر نماید و دیگری در جهان صنایع گردش کند.

جمعی در پی جمع‌آوری ملک و مال و برخی در فکر به دست آوردن آرزو و آمال قومی در صدد تحصیل و حزبی مترصد قال و قیل و چون هر نفسی را هوسی در خاطر و هر کسی را فکری در نظر است. این بنده نگارنده را نیز وقتی شوری در سر و تصورات بلندی در نظر بود و این فکرم همی به خاطر می‌گذشت که اگر حضرت رب العزت عنایت فرماید شاید دامن همت بر کمر زخم و در خدمت به دولت و ملت به نشر روزنامه مشغول گردم تا آن‌که توفیقم رفیق و سعادت‌م مساعد گشت و مقصود خود را به عمل آوردم. در سال گذشته را جناب میرزا علی محمد خان کاشانی از علیه اسلامبول وارد مصر گردید و چون سابقه آشنایی و معرفت در میان بود در منزل این بنده مقرر گزید و مرا شیفته و فریفته این مقصد دید نرد مصاحبت باخت و سمند همت در میدان شراکت تاخت وعده موافقت فرمود و طریق مراقبت نمود حقیر هم فرصت را مغتنم شمرده و وقت را مساعد یافت فوراً برخاسته و از خداوند خواسته و با خود گفتم که این خدمت به ابنای وطن را به انجام رسانم.

با جناب مذکور قراری داده و اقراری گرفته تدارک خدمت دیدم و اسباب این کار را فراهم آوردم تا این‌که روزنامه ثریا تأسیس یافت و به‌عون و یاری خداوند بی‌مانند طلوع این نجم باهر از سال اول به سال دوم کشید.

مدت چهار ماه که از سال ثانی گذشت رفیق شفیقم طریقی دیگر گرفت و خیال دیگر نمود بساط مؤانست برچید و عزم مسافرت فرمود و از شراکت این خدمت دست



کشید.

گفتم ای یار وفادار مرا تنها مگذار و عذر مسافرت میار و حق خدمت منظور دار شرط محبت به جای آر در عهد و میثاق ثابت و در وفاق و اتفاق راسخ باش و دست از این کار برمदार. چون مقتضیات شباب موجب تغییر آمال و بلندی خیال آن جناب بود عرایض نگارنده را نپذیرفت و از خیال خود منصرف نگشت بلکه خود را مستغنی از این عمل دانست و سفر را خوشتر از شراکت و معاونت شمرد.

در هر حال او ما را به خود سپرد و ما او را به خدا. لهذا دامن همت و غیرت بر کمر زدم و توکل به حضرت باری نمودم و مشغول با تمام این شروع شدم و امیدوارم که در خدمت به عالم انسانیت و در حقوق ملت مسامحت ننمایم و با دعای بقای عمر و عزت ذات ملکوتی صفات شاهنشاه اسلامیان پناه ابدالله ملکه و ایدالله. طلب لسان کردم و از آنچه لوازم ترقی و تمدن انبای عزیز وطن ماست در صفحات روزنامه (ثریا) درج نمایم بعون الله تعالی و حوله قوته

### اعلام

روزنامه ثریا از آغاز انتشار الی ۱۹ شهر محرم الحرام ۱۳۱۸ فیما بین این بنده نگارنده و جناب میرزا علی محمد خان کاشانی به شراکت بود و چندی بود که مشارالیه ذکر مسافرت می نمودند و اظهار تفریق شراکت می کردند تا آنکه در جنرال قونسولگری دولت علیه ایران در حضور جناب جلالت مآب اجل آقای مستنصرالسلطنه وزیر مقیم مصر دام اجلاله فسخ شراکت شد و حقوق خود را من جمیع الجهات دریافت نمود و کلیه امتیاز روزنامه ثریا و محاسبات آبونه جات از سال اول و دوم و بعد هما راجع به این بنده نگارنده فرج الله الحسینی گردید و صورت اعلانی که مشارالیه در این خصوص نوشته اند در نمره های بعد درج خواهد شد لهذا از مشترکین نظام خواهشمندیم که به موجب همان قبوضات سال اول و دوم که از اداره ثریا از وکلای گرام دریافت می نمایند وجه آبونه جات را تسلیم وکلای مرکزی و غیر مرکزی نمایند و وکلای گرام در سال اول و دوم به همان قبوضات اداره، وجوهات را وصول فرمایند تا انشاء الله در ابتدای سال سیم قبوضات مخصوص فرستاده شود و هم چنین از وکلای محترم ثریا متمنی و خواهانیم که صورت محاسبات سال اول و دوم را مع وجوهاتی که به اداره فرستاده اند در این مدت به



زودی مرقوم و ارسال فرمایند تا ثبت دفتر محاسبات گردد و معلوم شود آنچه به اداره فرستاده‌اند».<sup>۲۵</sup>

پاسخ سید فرج الله حسنی را علی محمد خان کاشانی در هفته‌نامه جدید خود یعنی پرورش داد. او نوشت:

"سبحان الله از ظلم ظالمان و تعدی بی ادبان پس از زحمات و اتعاب هیجده ماه دراز و بی خوابی‌های شب‌های بلند، ثریا را به هیچ، به طرف مقابل که دعوی شرکت مالی در آن می‌نمود واگذاشتم و آن همه رنج گران و درد فراوان را کان لم یکن فرض نمودم و همه چشم به خالق خویش داشتم که خدمات من در این روزنامه چون از روی صدق و درستی بود ناچار بی اجر نماند و گفتم محض این‌که روزنامه ثریا دایر باشد و نان فقیری نبریده باشم به نشر روزنامه جدید اقدام و به شکست ثریا اهتمام نکنم تا اجر من دو حضرت یاری بی‌مزد نماند و حیات ادبی من نیز تا اوراق ثریا در کتبخانه بزرگان یافت شود، باقی ماند و مقالات مصاحبه مرا معلمین در مدارس به اطفال بیاموزند و ادبا در مجالس ادب از آن به فصاحت عبارات و شیرینی انتقادات ستایش کنند و آدمی امثال من دست شکسته و از دنیا بسته جز این چه خواهد و ارزونی غیر از این چه طلبد که از حیات آدمی، نام و نشان ماند.

آنان که در عالم مطبوعات سیر کرده‌اند و بهره از ادبیات دارند می‌دانند که من چه گویم و از چه نالم. الله اکبر از ظلم و تعدی و بی‌حقیقتی و بی‌وجدانی میرزا ابوالفضل که خویش ابوالفضایل داند چه طور رضا شد که سید فرج الله ما که به قول خودش او از دال نداند و الف از یه فرق نگذارد و در تمام عمرش جز باز کردن و بستن صندوق نیل و فروختن اشیا عطاری و خرازی هنری نیاموخته (بنده نگارنده) نوید وی را در عالم ادب با من سهیم و شریک قرار دهد. تفو باد بر چرخ گردون تفو. (بی ادب تنها نه خود بگذاشت بد، بلکه آتش بر همه افاق زد) و از زبان نادانی بی‌سواد بنگارد که (گفتم‌ای یار وفادار مرا تنها مگذار و عذر مسافرت میار و حق خدمت منظور دار و شرط محبت به جای آر در عهده و میثاق ثابت و در وفاق و اتفاق راسخ باش و دست از این کار برمदार چون مقتضیات شباب موجب تغییر آمال و بلندی خیال آن‌جناب بود عرایض (نگارنده) را نپذیرفت و از خیال خود منصرف نگشت بلکه خود را مستغنی از این عمل دانست



و سفر را خوشتر از شراکت و معاونت شمرد.

عجب صیت جوانی من در افواء افتاده و به جرم جوانی هر دم مرا سرزنش و نکوهش کنند در صورتی که اگر در حیات همیت و غیرت است در حیات جوانی است اگر در حیات عشرت و لذت است در حیات جوانی است اگر در حیات مروت و فتوت است در حیات جوانی است اگر در حیات از جان گذشتن و با معشوق پیوستن است در حیات جوانی است که پیری جز شکستی و شیخوخیت جز عطالت حاصل ندارد من نعمره فی الخلق (تواضع ز گردن فرازان نکوست گدا گر تواضع کند خوی اوست) از این منظومه ابوالفضایل چنین معلوم شود که گویا سید فرج الله با آن بلاهت و جمودت در عالم ادبیات و نشر روزنامه ثریا کمکی داشته یا مرا آن نگارنده دروغی در نگارش این روزنامه معاون بوده اف..... اف..... خوشا مرگ و آسایش جاودانی..... هان ای ابوالفضایل! امروز چنان نگاشتی و نیکی دو نفر امر مشتبه کردی که ثریا اسمش با فلان و رسمش با دیگران و کلامش مال این و آن بود، فردا در حضور داور دادرسی چه جواب خواهی آورد که نادان، عوامی را دانا خواندی و حق ادبی دانایی پایمال نمودی و ندانستی شیر در عربی افسرده و افعی در انبان پژمرده نماند و زخمی که دیگران در میدان ادبیات از من خورده‌اند فراموش کردی یا خویش را در قوت و قدرت از ایشان برتر دانستی که بی مهابا آهنگ نبرد ساختی.

علی کل حال غم نخوریم که ثمر آن چه ما به خون دل کاشتیم دیگران برند و خانه که ما به زحمت ساختیم دیگران منزل کنند زیرا از مقتضیات لیل و نهار و تبدلات روزگار همین است. همین قدر آرزو داشتیم که در مقابل این رنج گران و تفویض این لقمه آماده بدیشان، حقوق ادبی ما منظور و ما را بدین رعایت مسرور دارند. سلسله حسد بچینید دیگ طمع به جوش آمد خواستند تا مالک هر دوران و صاحب این و آن باشند لطف حق مداراها فرمود لیکن بی ادبی علت رسوایی گردید.

راست است به قول انگلیسیان (قوت بر حق غالب و برای اجرای سیاست هنگام فرصت پای بند عهد نتوان بود) ولی نه سیاست خرقاء و پولوتیک جهلا که بر قامت مترس قبای مردمی راست کنند و بر بالای بوزینه ردای خسروی پوشند که هرگز کلاغ رفتار کبک دری نیاموزد. و زاغ صوت عندلیب فرا نگیرد و شیخ سعدی علیه الرحمه نیکو



فرموده که محال است هنرمندان بمیرند و بی هنران جای ایشان بگیرند.  
 باری از آن به نشر روزنامه (پرورش) اقدام کردم تا قوت قلم و ثبات قدم خویش  
 بنمایم و بر تمام ابنای وطن معلوم کنم که حقوق ادبی من به این گونه نیرنگ‌ها پایمال  
 نگردد. اکنون معلوم است وقت نازش و بالش است زخمی که دیگران از من به سرزنش  
 جوانی خورده‌اند پهلوان تازه ما نیز نوش فرماید و صفحات ثریا گواهی خواهد داد.<sup>۲۶</sup>  
 با خروج علی محمد خان کاشانی از هفته‌نامه ثریا، مدیریت آن نشریه به عهده سید  
 فرج الله قرار گرفت. سید فرج الله تا رجب ۱۳۱۸ قمری انتشار ثریا را ادامه داد و پس از  
 آن این کار را متوقف نمود. در آن ایام کیفیت مطالب ثریا به شدت پایین آمده و هر شماره  
 از نشریه از کیفیتی نازلتر از شماره قبلی بود. به هر روی سید فرج الله بعدها به تهران آمده  
 و انتشار ثریا را در این شهر از سر گرفت.<sup>۲۷</sup>

### هفته‌نامه پرورش

نخستین شماره این هفته‌نامه در روز جمعه دهم صفر ۱۳۱۸ قمری (۸ ژوئن ۱۹۰۰ میلادی) در شهر قاهره چاپ و منتشر شد. علی محمد خان کاشانی مدیر هفته‌نامه ثریا  
 پس از جدایی از آن هفته‌نامه، تصمیم به دوری از محیط مطبوعاتی و جریده نگاری داشت  
 لیکن باز هم به اصرار و تشویق دوستانش در تهران و تبریز اقدام به انتشار نشریه‌ای جدید  
 با نام «پرورش» و با همان سبک و سیاق «ثریا» را کرد. علی محمد خان در نخستین شماره  
 نشریه جدید گزارش اصرار و ابرام دوستانش را ارایه می‌دهد که خواندنی است:  
 "در این هنگام که ما به واسطه بعضی ناملایمات چنان ترک مجالست و قصد گوشه  
 گیری و انزوا داشتیم و بعد به واسطه اصرارات طهران و ابرامات تبریز مجبور به نشر و  
 طبع روزنامه پرورش شدیم روز پنجشنبه هفتم و جمعه هشتم یعنی دیروز و امروز از چند  
 نقاط مهمه اروپا دوستان که از خیال ما مطلع شده بودند تلگرافا اظهار لطف و محبت  
 فرموده ما را دعوت به مقر خویش فرموده از ما جری تسلیت داده بودند خدای را شکر  
 که هنوز همت و غیرت ارباب غیرت و همیت نمرده است و ما از مراحم ایشان کمال  
 تشکر را داریم بنابراین مشترکین پرورش را بشارت می‌دهیم که پس از طی مذاکرات اداره  
 روزنامه پرورش را به لندن یا پاریس یا برلن پای‌تخت آلمان نقل خواهیم کرد.  
 احسن اشغال، از خلق انفصال و گوشه گزیدن و از صحبت این و آن دامن برچیدن



است که نه در دوستان مروت و نه در دشمنان فتوت مانده اینان پوستین و آنان جان شیرین برکنند بهتر که طاوس چتر نبندد و کبک دری نخندد، بلبل نخواند و طوطی سخن نراند که در انظار ما نیکویی‌ها زشت و زیبایی‌ها ناشایست گردید هنرمند خوار و هواخواهی آن‌ها عار شد (یا مرت زر آن الحیاه زمیمه و یا نفس جدی آن هرک هائل)

به خدای خویش میثاق و با عقل خویش اتفاق کرده بودم که پس از نگارش جریده ثریا که در آرایشش [سختی] کشیدم و بنارش پروریدم و شب‌ها نخفتم و در او از وطن سخن گفتم، به کنجی تازم و به شغل مطبوعات نپردازم که نتایج آن همه سوز و گداز و فواید بیخوابی‌های شب‌های دراز و آثار حقیقت نگاری و آثار خدمت خدمت‌گذاری نیکو ظاهر و هویدا و واضح و آشکار گردید، تن علیل و دوست قلیل و دشمن بی‌شمار، حسود بسیار شد لیکن بشارات طهران و اشارات تبریز همی مجبورم دارد که نقض میثاق و ترک اتفاق کنم و هر چه به واسطه تلگراف درخواست کرده و ملتمس شدیم که از روی عدل و انصاف ما را از این شغل خطیر معاف دارند که قاتل شاه قراول، و دشمن طاوس پر اوست، پذیرفتند.

عجاله متوکلا علی الله به نگارش این نامه نامی قلم رنجه کردم و نام وی (پرورش) گذاشتم اگر چه گمان نمی‌کنم که به این حالت افسرده و خاطر پژمرده چیزی توانم نگاشت و تخمی که بروید، توانم کاشت».<sup>۲۸</sup>

هفته‌نامه پرورش از نظر فنی و محتوا ادامه همان هفته‌نامه ثریا می‌باشد. در همان چارچوب، به همان شیوه و روش انتشار آن ادامه یافت تا این که به دنبال چاپ مقاله‌ای یا مقالاتی در شماره ۲۳، ورود آن به ایران ممنوع شد. فهرست مطالب شماره ۲۳ هفته‌نامه پرورش، مورخ ۴ شعبان ۱۳۱۸ قمری به این شرح است:

دامان قیامت یا شب هجران عاشق، دارالخلافه تهران، کاظمین، تشکر نامه یکی از تجار، جواب مدیر، مکتوب رشت، پرورش، افتتاح شعبه شرکت اسلامی در مصر، خطابه این بنده، خطابه روز اول».

پس از آن علی محمد خان انتشار «پرورش» را ادامه داد. در ذی حجه همان سال پس از ده شماره، برای همیشه چاپ «پرورش» متوقف شد.<sup>۲۹</sup> مدتی بعد علی محمد خان بیمار گردیده و در سال ۱۳۲۰ قمری به مرض سل درگذشت.<sup>۳۰</sup>





## چهره نما

هفته‌نامه مصور چهره نما به مدیریت مودب السلطان عبدالمحمد ایرانی در شهر اسکندریه منتشر شد. نخستین شماره آن در سلخ محرم ۱۳۲۲ قمری انتشار یافت. در سرمقاله این شماره می‌خوانیم: «چگونه با خامه شکسته و زبان بسته توانیم نامه را آرایش از ستایش پروردگاری دهم که انواع بدایع مکنونه و اقسام نفایس مخزونه در ضمیر بنی نوع انسان ودایع گذاشته و شرافت دانش و فضیلت بینش که رموز (کنت کنزا مخفیا است) به این جنس آدمی که یک از چند هزار مخلوق است، به مفاد لقلد کرنا بین آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیرا ممن خلقنا تفضیلا بخشایش داشته» ما را چه قوه و توانایی است که به وصف او قلمی یا رقمی زینم و رعیت بیان و زبان را چون سایر جنبندگان فضای لایتناهی عالم توصیف از یاوه سرایی به هم شکنیم. پس ما را مقصود از احداث و نشر این جریده با احساس مخاطرات شدید و زحمات و فسادهای عدیده به جز در مقام انسانیت و اقتضای بشریت و صلاح اسلامیت و خدمت به دولت و ملت چیزی منظور نیست و حب وطن مقدس و اهالی آن خاک پاک و آن گوهر گرانمایه تابناک که وظیفه ما هر نوع فداکاری و جان نثاری در حفظ و حراست و استقرار در استقلالیت اوست، وادار نمود و ذوق و اشتیاق و التهاب عصبیت افزود که جلای وطن گرام گفته و از پی حفظ حقوق وطن و مصالح ملی شب‌ها نخفته، اوراقی آرایش و از بسط مقال و مقصد و خیال شرعی گزارش دهم»<sup>۳۱</sup>

هنوز اندکی از زمان شروع انتشار چهره نما نگذشته بود که به دستور صدر اعظم وقت ایران (عین الدوله) از ورود آن به ایران ممانعت شد، این ممانعت بالأخره با پا در میانی رشدیه برداشته شده و ورود چهره نما به ایران کما کان ادامه یافت.<sup>۳۲</sup> کمتر از یک سال بعد در سال ۱۳۲۳ قمری به دنبال پاره‌ای سختی‌ها و ناگواری‌ها در اسکندریه، مودب السلطان مکان چاپ و انتشار و محل دفتر «چهره نما» را به قاهره منتقل کرده و از آن به بعد تا سال‌های متمادی با کمک فرزندش (مودب زاده ایرانی) به انتشار آن ادامه داد. پس از مرگ مودب السلطان، فرزندش راه پدر را ادامه داده و تا نزدیک به نیم قرن (در مجموع) انتشار آن را میسر ساخت.<sup>۳۳</sup>

هفته‌نامه چهره نما، نشریه‌ای خبری، متنوع و از لحاظ سیاسی (غیر از ایام انقلاب



مشروطه تا سال ۱۳۲۷ قمری) مدیر آن تلاش می‌کرد میان‌رو باشد.<sup>۳۴</sup> چاپ عکس‌ها،<sup>۳۵</sup> آگهی‌ها،<sup>۳۶</sup> اخبار کوتاه، سلسله مقالات طولانی از جمله خصوصیات این هفته‌نامه است.

## کمال

میرزا حسین خان کمال پس از آن‌که انتشار جریده‌اش در تبریز در اوایل دهه ۱۳۲۰ قمری دچار مشکل و رکود شد، به قاهره مهاجرت کرده و از دهم ربیع الثانی ۱۳۲۳ قمری (ژوئن ۱۹۰۵) انتشار آن جریده در قاهره آغاز شد.<sup>۳۷</sup> انتشار این نشریه خبری در قاهره زیاد به طول نیانجامید و چند ماه بعد، در اوایل رمضان همان سال چاپ آن متوقف شده<sup>۳۸</sup> و میرزا حسین خان کمال به قفقاز رفت.

## عبدالله رازی و سه‌گانه‌هایش (رستاخیز، سودمند، عصر پهلوی)

عبدالله رازی طی مدت اقامتش در مصر طی یک دهه سه نشریه (به ترتیب زمانی) رستاخیز (۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ شمسی)<sup>۳۹</sup>، سودمند (۱۳۰۵ شمسی)<sup>۴۰</sup> و عصر پهلوی (۱۳۰۸ شمسی)<sup>۴۱</sup> را چاپ و منتشر ساخت. هر سه آن‌ها از یک ساختار و محتوا برخوردار بوده و به نوعی هر یک به جای دیگر چاپ و منتشر می‌شد. این مجلات معمولاً به صورت ماهنامه منتشر شده و به دلیل رویه تند ناسیونالیستی مورد اعتراضات شدیدی قرار گرفته و انتشار آن‌ها دچار معضلات جدی می‌شد.<sup>۴۲</sup> با مراجعت عبدالله رازی به ایران انتشار آخرین عنوان از سه‌گانه‌های فوق (عصر پهلوی) در مصر متوقف شد. ■



## منابع:

- ۱- ادوارد براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ترجمه و تعلیمات محمد عباسی. تهران: کانون معرفت، [بی تا]، ص ۳۵۶.
- ۲- ناصرالدین پروین. تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۲.
- ۳- همان.
- ۴- محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج اول. اصفهان: انتشارات کمال، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص ۲۲۹.
- ۵- هفته نامه حکمت، ش ۸۷۹، غره ذی حجه ۱۳۲۴ قمری، ص ۵.
- ۶- هفته نامه پرورش، ش ۱۸، ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۱۸ قمری، ص ۱۳.
- ۷- هفته نامه ثریا، ش ۹، س ۱، ۱۲ شعبان ۱۳۱۶ قمری، ص ۱.
- ۸- هفته نامه حکمت، ش ۸۳۳، غره رجب ۱۳۲۰ قمری، ص ۴.
- ۹- همان، ص ۵.
- ۱۰- همان، ش ۸۹۲، ۱۵ رجب ۱۳۲۵ قمری، ص ۱.
- ۱۱- عنوانی که از اواسط سال ۱۳۲۷ قمری در ذیل تیتر «حکمت» اضافه شده بود.
- ۱۲- از جمله ناصرالدین پروین، همان، صص ۳۲۲ - ۳۲۴.
- محمد صدرهاشمی، همان، صص ۲۲۸ - ۲۳۰.
- ادوارد براون، همان، صص ۳۵۶، ۳۵۷.
- همچنین در مورد شیوه های اشتراک هفته نامه حکمت ر.ک: هفته نامه حکمت، ش ۸۸۷، غره جمادی الاول ۱۳۲۵ قم، ص ۱۶.
- ۱۳- هفته نامه ثریا، ش ۱، س ۱، ۱۴ جمادی الاخر ۱۳۱۶ قمری، صص ۱ و ۲ همچنین برای آشنایی با زندگانی علی محمد خان کاشانی ر.ک: محمد صدرهاشمی، همان، صص ۵۹-۶۴.
- ۱۴- هفته نامه ثریا، همان، ص ۱.
- ۱۵- همان، ش ۲، ۲۰ جمادی الثانی ۱۲۱۶ قمری، ص ۲.
- ۱۶- از جمله: - همان، ش ۱۵، صص ۲، ۲۴ شوال ۱۳۱۷ قمری، صص ۱ و ۳.
- ۱۷- از جمله: همان، ش ۲، س ۲، ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۱۷ قمری، ص ۳.
- ۱۸- همان، ش ۳۰، ۱۰ محرم ۱۳۱۷، صص ۱ و ۲.
- ۱۹- از آن جمله می توان به اعلان انتصاب وکیل نشریه در فارس اشاره کرد. ر.ک: همان، ش ۴۳، ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۱۷ قمری، ص ۶.
- ۲۰- همان، ش ۱۸، ۱۵ شوال ۱۳۱۶ قمری، ص ۱۶.
- ۲۱- همان، ش ۳، س ۱، ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۱۶ قمری، ص ۱.
- ۲۲- همان، ش ۱، س ۲، ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۱۷ قمری، صص ۱ و ۲.



۲۳- این موضوع توسط ادوارد براون مورد تأکید قرار گرفته است. رک: ادوارد براون، همان، صص ۳۰۴ - ۳۰۶.

همچنین صدرهاشمی نیز از نظرات مشابهی در مورد «ثریا» برخوردار است. رک: محمد صدرهاشمی، همان، صص ۱۵۱-۱۵۴.

۲۴- ناصرالدین پروین، همان، ج ۲، ص ۴۶۰

۲۵- هفته‌نامه ثریا، ش ۲۵، س ۲، ۲۷ محرم ۱۳۱۸ قمری، صص ۱ و ۲.

۲۶- هفته‌نامه پرورش، ش ۱، ۱۰ صفر ۱۳۱۸ قمری، صص ۷-۹.

۲۷- ناصرالدین پروین، همان.

۲۸- هفته‌نامه پرورش، ش ۱، س ۱، ۱۰ صفر ۱۳۱۸ قمری، صص ۱ و ۲.

۲۹- ناصرالدین پروین، همان، صص ۴۶۰ و ۴۶۱.

۳۰- محمد صدرهاشمی، همان، ص ۶۴

۳۱- هفته‌نامه چهره نما، ش ۱، س ۱، سلخ محرم ۱۳۲۲ قمری، صص ۱-۳.

۳۲- محمد صدرهاشمی، صص ۱۹۳ و ۱۹۴.

۳۳- همان، ص ۱۹۴.

۳۴- ناصرالدین پروین، همان، ص ۴۶۲.

۳۵- از جمله رک: - هفته‌نامه چهره نما، ش ۵، غزه ربیع الثانی ۱۳۲۲ قمری، ص ۴.

- همان، ش ۱۷، ۱۵ ذی قعدة ۱۳۲۲، ص ۵.

- همان، ش ۲۳، س ۲، ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۳ قمری، ص ۵.

۳۶- از جمله: رک: همان، ش ۲۲، س ۲، ۸ ربیع الثانی ۱۳۲۳ قمری، ص ۱۶.

۳۷- هفته‌نامه کمال، ش ۱، س ۳، ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۳ قمری، ص ۱.

۳۸- همان، ش ۱۰، س ۳، اول رمضان ۱۳۲۳ قمری.

۳۹- محمد صدرهاشمی، همان، ج اول، صص ۹۷ و ۹۸. فرنگی

۴۰- همان، ج ۲، ص ۴۷.

۴۱- همان، ج سوم، ص ۲۸. تال جامع علوم انسانی

۴۲- از جمله رک: اسناد مطبوعات ایران، به کوشش کاوه بیات و مسعود کوهستانی نژاد،

تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲، صص ۵۵۵ و ۵۵۶.

